

۱. هزارویک شب در فرانسه

عموماً چنین تصویری شود که شرق شناس فرانسوی، آنتوان گالان^۱ برای اولین بار در تاریخ ادبیات اروپا، به ترجمه هزارویک شب به زبان فرانسه در میانه سال‌های ۱۷۰۴ تا ۱۷۱۷ در دوازده جلد دست زده است. نیز این ترجمه با موفقیت فوری و خیره‌کننده روبرو شده و در تمامی اروپا شیوع یافت و برای چاپ آن در همه جا رقابت می‌شد و به مدت یک سده به عنوان تنها ترجمه «شب‌های شهرزاد» در دنیای غرب مطرح بوده است.

واقعیت آن است که گالان، «هزارویک شب» را با تصرف، ولی با اعتدال و مهارت ترجمه کرد.^۲ او می‌خواست با این کار از ورود به ساختار پیچیده اصل داستان‌ها خودداری نماید و از مطالب تکراری و جزئیات خسته‌کننده‌ای که به نظم داستان‌ها و ساختار درونی آنها خلل وارد می‌کنند، اجتناب ورزد. درست است که جادو و کارهای خارق‌العاده و دنیای جن‌ها و ارواح نقش بارزی در توفیق ترجمه دارند، اما مهم این است که این امور به وضوح و سادگی و زیبایی روایت می‌شوند.^۳

حق آن است که گالان ترجمه‌ای زیبا و خوش سبک برای مردمانش ارائه داد و ماجراها و تصاویر را با امانت و مطمئن، ترسیم کرد و حس و حال شرقی، از دیباچه‌ای باشکوه به خوانندگان فرانسوی عرضه شد. ترجمه گالان بیشترین و مهم‌ترین داستان‌های معروف نسخه اصلی کتاب را در بر دارد. شاید عجیب به نظر برسد در دورانی که گرایش عقلانی و مفاهیم کلاسیک، غالب بوده و میان سنت و مدرنیته چالش وجود داشته است، «آن شب‌ها» به موفقیتی آنی و درخور توجه دست یافت؛ از این رو به هنگام بررسی عوامل این موفقیت و میزان تأثیری که هزارویک شب در فرهنگ فرانسه داشته، سؤالات بسیاری به ذهن خطور می‌کند: ارتباط شب‌های عربی با کلاسیک جدید چه بوده؟ چرا حکایات شهرزاد، شگفتی بیشتر خوانندگان فرانسوی را برانگیخت؟ مهم‌ترین تغییرات ادبی و فکری در قرن هیجده در فرانسه چه بوده؟ علت پرداختن متفکران و نویسندگان به تمامی دستاوردهای شرقی در این دوره از تاریخ سیاسی و ادبی فرانسه، چه بوده است؟

در آغاز اشاره می‌داریم که تاریخ نگاران معمولاً قرن هیجدهم فرانسه

۱. آنتوان گالان (ANTOINE GALLAND, 1656-1775) شرق شناس مشهور فرانسوی که فلسفه‌های شرقی را در دانشکده پادشاهی آموخت و در سمت‌های متعدد سیاسی خدمت کرد. شایع است که وی به جمع‌آوری مخطوطات و عتیقه‌جات و تدریس زبان عربی در کالج دو فرانس بسیار توجه نشان می‌داد. از آثار او، ترجمه قرآن کریم، عباراتی برگرفته از شرقی‌ها و اصل و نظور قهوه می‌باشد. برای مطالعه بیشتر، رک به: M. ABELHALIM, ANTOINE GALLAND, PARIS, GNIZET, 1964.

۲. گالان در حقیقت ادیبی نادر و هنرمندی بصیر و آگاه به داستان بود و بهترین داستان‌های هزار و یک شب را با زبان و اسلوب داستانی ساده و جذاب به خوانندگان خود تقدیم کرد؛ به طرزیکه خوانندگان گویی در برابر داستان‌هایی قرار گرفته‌اند که اصلاً فرانسوی نوشته شده‌اند و بوی ترجمه نمی‌دهند.

۳. تمامی چیزها در داستان‌های آن شب‌ها برای خواننده فرانسوی زبان تازه و نو بود و گالان به خوبی از نحوه بسط و شرح داستان در قالبی فاخر و اصیل، آگاه بود.

نقد و بررسی کتاب

«هزارویک شب» در غرب

«الف لیله و لیله فی الغرب»

مجله الموقف الادبی، العدد ۳۳۷، ۱۹۹۹.

دکتر شریف عبدالواحد

ترجمه حسین علینقیان

چکیده: عموماً تصویری نشود برای اولین بار در تاریخ ادبیات اروپا، شرق شناس فرانسوی آنتوان گالان اقدام به ترجمه هزارویک شب به زبان فرانسوی کرده است. نویسنده در مقاله خویش، ابتدا با ذکر تاریخچه ترجمه کتاب هزارویک شب در فرانسه، به بیان ترجمه این کتاب در اروپا توسط نویسندگان مختلف در دو مرحله می‌پردازد. سپس در ادامه به دستاوردهای فرهنگی و علمی ترجمه هزارویک شب در اروپا اشاره کرده و در نهایت با بررسی تأثیر شفاهی هزارویک شب در غرب، مقاله خویش را به پایان می‌رساند.

کلیدواژه: هزارویک شب، ترجمه فرانسوی، تأثیر در ادبیات اروپا.

تحولات، آنتوان گالان «هزارویک شب» را به زبان فرانسه ترجمه کرد، و تعجب ندارد که این داستان‌ها، شگفتی جمهور را برانگیزد و توفیقی آنچنانی بیابد. ظهور این داستان‌ها دوشادوش تحولات هنری فرانسه و هماهنگ با حس‌گرایی نبوده است. داستان‌های شهرزاد در تمامی فرانسه رواجی بی‌مانند داشت و زشت و زیبا و عقلانی و خیالی و غیبی و علمی را در برداشت.^۸

اگر شرایطی که ادبیات فرانسه پشت سر گذاشت، ملحوظ واقع شود، شکی نیست که «هزارویک شب» به منبعی سرشار برای تخیل فرانسوی تبدیل شد و راه برون رفت به دنیای جدید و فایز از ملالت کلاسیک را به نویسندگان و خوانندگان عرضه داشت؛ به عبارتی حکایات شهرزاد در برابر روح زمانه ایستاد و در مقایسه با آثار متفکران آن دوره، همچون ولتر، دیدرو و مونتسکیو، به عنوان اثری برتر مطرح شد...^۹

۲. هزارویک شب در اروپا

ترجمه آنتوان گالان به موفقیتی قاطع دست یافت و طولی نکشید که به بسیاری از زبان‌های خارجی ترجمه شد و شهرت و رواج آن در اروپا به مانند رواج ادیسه و الیاد هومر بود و جایگاه ممتازی در ادبیات جهانی به دست آورد.

بسیاری از محققان بر آن اند که حکایات شهرزاد با مضامین و اشکال آن، خوانندگان اروپایی را مدهوش ساخت و اروپاییان را در ورود به دنیای سحرآمیز شرقی یاری کرد. به نظرمی رسد مترجمان در هرزبانی تلاش کردند حکایات شهرزاد را با شیوه‌هایی زیبا به ذهن و زبان مردم خود نزدیک سازند. اگر تأکید کنیم که اروپاییان در تصرف جایگاه هزارویک شب در کتابخانه جهانی تقدم داشته‌اند، مبالغه نکرده‌ایم. گفتنی است ترجمه «آن شب‌ها» به زبان‌های اروپایی، درد و مرحله اساسی به انجام رسید:

الف) مرحله اول (۱۷۰۸، ۱۸۰۰ م)

کشورهای اروپایی در این مرحله به ترجمه گالان به زبان‌های مختلف دست زدند. مهم‌ترین این ترجمه‌ها در جدول ذیل ارائه می‌شود:

را دوران روشنگری می‌خوانند؛^۴ دورانی که شاهد آوردگاه‌های سرنوشت‌ساز فکری و گرایش‌های عقلی و فلسفی برای زیورورد کردن ادبیات با امواج سهمگین خود و برای رهاسازی انسان فرانسوی از اوهم قرون وسطا بود. گزاف نیست اگر بگوییم حرکت روشنگری، که فلاسفه بورژوازی پرچم‌دار آن بودند، آثار خود را در مجالات مختلف حیات فرانسه به وضوح برجای نهاد و انقلاب فرانسه خود در برخی جنبه‌ها چیزی جز نتیجه تلاش آن فلاسفه - که در اجتماع خود تأثیر بسزایی داشته - نبوده است.

در نیمه اول قرن هیجده، بسیاری از امور در فرانسه تغییر یافت و نظام سلطنتی مطلقه جایگاه مردمی خود را از دست داد و از نفوذ کلیسا در عقل‌ها کاسته شد و روحانیت مسیحی هم پیمان با فتودالیسم، با شکستی بزرگ روبرو شد. آزادی مورد نظر در تمامی زمینه‌ها ایجاد شد و مفاهیم جدید در تمامی انحای فرانسه با سرعتی شگرف انتشار یافت و فلاسفه روشنفکری توانستند مهم‌ترین اهداف خود را که با ظرافت طراحی کرده بودند، به مرحله اجرا در آورند...^۵ اساس اجتماع نیز تغییر یافته بود و شرایط برای فروپاشی حکومت و بروز انقلاب بزرگ فراهم شده بود...؛ اما در میدان ادبیات، بروز نشانه‌های تحول در کلاسیک جدید در آغازین سال‌های قرن هیجدهم و هم‌زمان با اعلان حکومت پادشاهی توسط لویی چهاردهم (۱۷۱۵-۱۶۳۸ م) رخ داد.^۶

به نظرمی رسد پیشرفت همه‌جانبه علوم در این دوره سبب تحقیر گذشته و بی‌اعتنایی به اعتقادات شده بود. می‌توان گفت ادبیات کلاسیکی که ستایشگر میراث و دورافتاده از توده مردمی بوده، کم‌کم در این دوره در پی چالش‌های اجتماعی و فکری و ظهور نسل جدیدی از نویسندگان و خوانندگان جدا از ارزش‌های قدیم، به افول گرایید؛^۷ به بیان دیگر فرانسویان از ادبیات کلاسیک که در خدمت اهداف اشرافی‌گری و دارای اصول و قواعد ثابت و غیرقابل مناقشه بوده است، متنفر شده بودند. آنچه بر اهمیت موضوع می‌افزاید، رویارویی مردم با ادبیات دیگر ملت‌ها و بروز جریان‌های فکری منادی قانونی بودن اشیاع حسن‌گرایی و احترام به آزادی فردی بود. در این گیرودار

۴. اصطلاح «روشنگری» کلاً به معنای کشف حجاب از حقیقت امور و استفاده از تجربه است و معنای خاص آن، همان حرکت فکری است که در پی جنگ‌های ویرانگر میان بورژوازی و اشرافی‌گری در اروپا مستولی شد. رویکرد عمده آن نیز پایان دادن به نظام قدیم و پایه‌ها و تشکیلات آن بود. (رک به: ایسیا بیریلین؛ عصرالتنویز؛ ترجمه فواد شعبان؛ دمشق؛ وزارة الثقافة، ۱۹۸۰ م).

۵. روشنفکران قصد سازندگی داشتند و قدار به از بین بردن تاریکی‌ها بودند. به فکر سیاسی جدید بودند که رعایا به شهروندان مبدل شوند و سازمانهای خشونت را بر نمی‌تابیدند و برای تربیت، اصول نوینی بنا نهادند که فرزاندا نشان را از ورود به اشتباهات گذشته درمان دارند، و طبیعتی است که این تفکر جدید در اندیشه فرانسه تأثیرگذار باشد؛ زیرا این نوع تفکر حاوی مفاهیم نوینی با بیشترین دمکراسی و آزادی بود... .

۶. لویی چهاردهم یا خورشید شاه، به زور اسلحه و فشار بر فرانسه حکومت کرد و نظام حکومتی خود را بر پایه قدرت مطلقه و زور و مدیریت مرکزی بنا نهاد... شایع است که وی در اواخر حکومتش، تمام منابع مالی را در راه نشان دادن عظمت و ابهت پادشاهی اش، مصرف کرد.

۷. فیلیپ فان تیغم؛ المذاهب الادبیه الکبری فی فرنسا؛ ترجمه فرید انطونیوس؛ لبنان؛ دارعویادات، ۱۹۷۵، ص ۱۲۹/ الف لیله و لیله فی الغرب، مجله الموقف الادبی، العدد ۳۳۷، ايار ۱۹۹۰ م.

۸. درباره تأثیر هزارویک شب بر فرهنگ و ادبیات فرانسه، از جمله آمده است: «در آنگهی‌های تبلیغاتی بی‌شمار برای هتل‌ها، رستوران‌ها، شب نشینی‌ها، شب‌های شعر و موسیقی و... در تابلوهای اعلانات شهر پاریس و دیگر شهرهای فرانسه نیز در مطبوعات و به خصوص روزنامه‌های تبلیغاتی و از همه مهم‌تر در سایت‌های اینترنتی از عدد هزارویک و گاهی از هزار و یک شب استفاده می‌کنند. در تاریخ ده اکتبر ۲۰۰۴ تعداد ۶۷۱۳۳۳ موضوع با عنوان به زبان فرانسه با تشبیهات شاعرانه و زیبا نظیر هزارویک آتش شادی، هزار و یک شعله، هزارویک گنجینه، هزارویک شب، هزار و یک روز، هزارویک داستان... روی دوسایت ثبت شده بودند» (احمد کامیابی مسک؛ «هزارویک شب در فرانسه»؛ فصلنامه هنر، ش ۶۱، ص ۲۳ م).

۹. کاترینا مومسن؛ جوت و الف لیله و لیله؛ ترجمه احمد حمود؛ دمشق؛ وزارة التعليم العالی، ۱۹۸۰، ص ۱۳، ۱۲.

۳. دستاوردهای ترجمه

هزارویک شب به زبان‌های مختلف اروپایی ترجمه شد و در شمار بزرگ‌ترین وقایع فرهنگی غرب قرار گرفت. ترجمه‌های متعدد کتاب، علاوه بر نشان دادن ارزش هنری آن، باعث رخ دادن نتایج فرهنگی و علمی دور از انتظار شد؛ از جمله:

الف) توجه به جمع‌آوری ادبیات مردمی

ترجمه‌های «الف لیله و لیله» به طور آشکار میل اروپاییان را به جمع‌آوری ادبیات فلکوریک خود تدوین آن در مجموعه‌های مستقل و چاپ و انتشار آن به شدت برانگیخت.

در فرانسه داستان‌های مردمی و خرافی بسیاری که برگرفته از ادبیات روستایی بود، انتشار یافت. مجموعه مشهور شارل پیرو تجدید چاپ یافت؛ مجموعه جدید لایسن، مجموعه دوشیزه دولابرت (de lubert)، مجموعه هامیلتون و دیگر مجموعه‌های برگرفته از منابع شفاهی روستایی با سبک و قالب زیبای شرقی انتشار یافتند؛^{۱۴} در واقع داستان‌های روایت‌شده در طول قرن‌های هجده و نوزده میلادی توسط خانم‌ها، به شکل مجموعه و به طرز خاص و پس از جمع‌آوری از دهان روستاییان، انتشار می‌یافت.^{۱۵} مورنی محقق، در کتاب‌شناسی ویژه خود، تعداد ۵۹ مجموعه که تمامی آنها برگرفته و اقتباس یافته از ادبیات روستایی بوده و

زبان ترجمه	سال ترجمه	اسم مترجم	ملاحظات
انگلیسی	۱۷۰۸	ناشناس	این ترجمه سه بار بر اساس نسخه گالان به چاپ رسید. «GRHBSTREET» نامیده می‌شد؛ زیرا مترجم آن ناشناخته بود.
آلمانی	۱۷۱۲	تالندر (talendwr)	در چهار مجلد انتشار یافت.
ایتالیایی (ونیز)	۱۷۲۲	ناشناس	۱۲ جلد
هلندی (آمستردام)	۱۷۲۲	ناشناس	۱۲ جلد
دانمارکی (کوپنهاگ)	۱۷۴۵	ناشناس	
روسی	۱۷۶۳	فیلاتوف (filatoff)	این ترجمه هفت سال طول کشید.
آلمانی	۱۷۸۵	یوت. ه. فوس	
بلژیکی (فلاند)	۱۷۸۸	ج. ب. رومل	ترجمه آن هشت سال به طول انجامید.
آلمانی	۱۷۹۴	سراوبر (sur ober)	به دو زبان آلمانی و عبری انتشار یافت.

ب) مرحله دوم

پس از آنکه فوران ترجمه گالان به زبان‌های اروپایی فرونشست، در قرن نوزدهم و بیست میلادی، ترجمه‌های جدیدی ارائه شد که این بار مترجمان بر متن عربی و نسخه‌های بی‌شمار کتاب تکیه کردند. این ترجمه‌ها بسیارند که مهم‌ترین آن در جدول زیر ارائه می‌شود:

سال ترجمه	زبان ترجمه	مترجم	نسخه مورد رجوع ^{۱۶}	ملاحظات
۱۸۱۱	انگلیسی	جانانان اسکات ^{۱۷}	کلکته ۲	۶ مجلد
۱۸۲۴	دانمارکی	راسمیسن	کلکته ۱	۴ مجلد و شامل ۳۰۰۰ شب
۱۸۲۵	آلمانی	هابیش ^{۱۸}	ناشناس	۵ مجلد
۱۸۳۸	انگلیسی	هنری تورسن	کلکته ۲	مترجم قبل از اتمام ترجمه جان سپرد
۱۸۳۹-۱۹۴۱	انگلیسی	لین	بولاق، برسلاو، کلکته ۱	در ۳ مجلد انتشار یافت و در آن حکایت عمر نعمان و فرزندان و داستان عشق‌ورزی نیامده است.
۱۸۳۷-۱۸۴۲	آلمانی	گوستاو وایل	بولاق ۱	۴ مجلد
۱۸۸۲-۱۸۸۴	انگلیسی	جان پاین ^{۱۹}	کلکته ۱ و ۲، بولاق	ترجمه کامل در ۱۳ مجلد
۱۸۸۵-۱۸۸۸	انگلیسی	برتن	کلکته ۱ و ۲، برسلاو	۱۶ مجلد
۱۸۸۵-۱۸۸۹	آلمانی	هنینگ	بولاق	۲۴ مجلد
۱۸۸۹	فرانسه	ماردروس	بولاق، کلکته ۲، برسلاو	۱۶ مجلد با تصاویر
۱۹۰۵	چکسلواکی	ج. ماکریس	ناشناس	
۱۹۲۱-۱۹۲۸	آلمانی	لیتمن	کلکته ۲، بولاق	۶ مجلد و کامل
۱۹۲۷-۱۹۲۸	دانمارکی	اوستراپ	چاپ قاهره	عمر نعمان حذف شد.
۱۹۲۹	روسی	سالییر	کلکته ۲	چاپ آن با مساعدت شرقشناس روسی، کراچکوفسکی به انجام رسید.

۱۰. نخستین چاپ هزارویک شب، به زبان عربی در دو جلد و در میانه سال‌های ۱۸۱۴، ۱۸۱۸ میلادی در کلکته به زور طبع آراسته شد و سپس بار دیگر در سال‌های ۱۸۳۹، ۱۸۴۲ در چهار جلد عرضه شد؛ پس از آن در سال ۱۸۳۵ در بولاق مصر نیز منتشر شد. بهترین چاپی که تاکنون از هزارویک شب به زبان عربی منتشر شده است، متن انتقادی و پاکیزه‌ای است که با مقدمه و تصحیح محسن مهدی در ۲ جلد به سال ۱۹۸۴ در لیدن به چاپ رسید. مصحح در مقابله اثر چاپ‌های کلکته و بولاق و همچنین نسخ خطی را نیز مد نظر قرار داده است؛ گوشه چشمی هم به ترجمه‌های اروپایی و پژوهش‌های محققان درباره ریشه و شکل‌شناسی قصه‌های هزارویک شب داشته است (به نقل از احمد رحیم خوانی سامانی، «نیم‌نگاهی به برخی از ترجمه‌ها و چاپ‌های هزارویک شب؛ فرهنگ بام ایران، ش ۱، قس: «هزارویک شب و دنیای غرب»؛ کتاب ماه ادبیات و فلسفه، دی ماه ۱۳۸۱ ص ۳۰).

۱۱. اسکات در اثر خود «داستان‌های خاصی را از یک نسخه خطی هزارویک شب که جمیز اندرسن آن را از هند آورده بود، ترجمه کرد، و در سال ۱۸۱۱ بروی راستی که از یک ترجمه انگلیسی اثر گالان منتشر کرد، یک جلد از داستان‌های جدید را که از نسخه خطی دیگری به دست آورده بود، افزود. این نسخه خطی در حال حاضر با عنوان نسخه «ورتلی مونتگ» در آکسفورد نگهداری می‌شود» (ای. لیتمن؛ «هزارویک شب»؛ ترجمه دکتر محمد جواد مهدوی؛ کتاب ماه هنر، شماره ۸۱-۸۲ (م)).

۱۲. بنا به گفته خود هابیش، وی در برسلاو «نسخه دست‌نویس کاملی از هزارویک شب را که شخصی به نام مردخای بن نجار از تونس برای او فرستاده بود، دریافت داشت و در ۱۸۲۴ شروع به ترجمه آن به زبان آلمانی نمود و حاصل کارش را در ۱۸۲۵ منتشر ساخت...؛ در واقع جای بسی تردید است که دست‌نویس تونسی هابیش هرگز وجود داشته باشد. چنین به نظر می‌رسد که تنها کاری که وی کرده، آن بوده است که داستان‌هایی را از دست‌نویس‌های مختلف هزارویک شب و مجموعه داستان‌های عربی دیگر که در کتابخانه‌ای اروپایی وجود داشته است، سرهم کند و چون متن چاپی بولاق در ۱۸۳۶ درآمد، از داستان‌های آن هم استفاده کرد» (رابرت ایروین؛ «هزارویک شب و دنیای غرب»؛ ترجمه فریدون بدره‌ای؛ کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ش ۶۳، ۱۳۸۹ (م)).

۱۳. برای مطالعه مفصل سرگذشت ترجمه جان پاین رک به: «هزارویک شب و دنیای غرب»؛ کتاب ماه ادبیات و فلسفه، دی ماه ۱۳۸۱، ص ۳۱ به بعد.

۱۴. رک به: F. BARGLIILET, GE ROMAN AU XVLEME SIECLE, PARIS . P. u . ۶۷-۶۵، ۱۹۶۱.

۱۵. برای نمونه به این افراد اشاره می‌کنم: خانم‌ها: دولیزان، دو بومارت، دولنوی.

در سال‌های ۱۷۴۰-۱۷۸۰ انتشار یافته را بر شمرده است.

در آلمان، آخیم فن آرنیم و کلمنس برنتانو و برادران گریم، به جمع‌آوری و تدوین حکایات در مجموعه‌هایی دست زدند. در سال ۱۸۱۲ برادران گریم مجموعه‌ای از داستان‌های مردمی با نام «قصه‌های بچه‌ها و خانه» را چاپ کردند و هر دو در توضیحات این مجموعه، اذعان کردند در خلق این آثار، هشت اصل از هزارویک شب را اقتباس کرده‌اند. نوالیس در ربع اول قرن نوزده، مجموعه خود با عنوان «پیازو گل آبی» را انتشار داد و گوته نیز به جمع‌آوری حکایات پرداخت؛ مثل داستان «بانده»، «باغهای جنیان»، «کوههای مغناطیس» و...^{۱۶}

می‌توان گفت توجه اروپاییان به گردآوری ادبیات فلکلوریک پس از ترجمه هزارویک شب، فوق‌تصور است؛ زیرا آنها به میزان اهمیت این ادبیات در حیات ملت‌ها پی برده بودند؛ بدین روی تمامی کشورهای اروپایی به گردآوری داستان‌های عامیانه از دهان پیران و روستاییان پرداختند و آنها را در قالب مجموعه‌هایی چاپ کردند. درست است که این داستان‌ها، گرمی داشته شد، «اما فضل در وهله اول به ویژگی‌های ممتاز هزارویک شب برمی‌گردد... و با وجود این ویژگی‌ها می‌بایست این نوع ادبیات را مکتب حکمت‌آمیز بر شمرده؛ زیرا علم و نشاط و فلسفه را همزمان ارائه می‌دهد...»^{۱۷}

ب) گرایش به شرق‌شناسی

حکایات شهرزاد تخیل و رؤیای اروپاییان را درگیر کرد و آنها را در آسمان خیال‌انگیزش رها ساخت. از نشانه‌های تأثیر بسزای شهرزاد، شاید بتوان به اعتراف خود غربی‌ها نسبت به جایگاه والای آن اشاره کرد. در اهمیت آن آمده است: «به جز کتاب مقدس، هیچ کتابی یافت نمی‌شود که به مانند مجموعه هزارویک شب، آنچنان انتشاری فراگیر و عالمگیر داشته باشد...؛ چه در بیشترین کشورهای پیشرفته کسی یافت نمی‌شود که این مجموعه را حداقل یک بار در عمر خود با اشتیاق نخوانده باشد...»^{۱۸}

علاوه بر اهمیت ویژه‌ای که این حکایات در پی انتشار جهانی کسب نمود، در همان زمان، خوانندگان را به شناخت ملل به وجود آورنده آن حکایات سوق داد و آنان را به مسافرت به بغداد، مصر، شام و ایران برانگیخت. کافی است به کتاب جان ماری کاری نگاهی بیفکنیم تا از شمار نویسندگان و مسافران روزافزونی که در قرن هیجده به شرق اسلامی سفر کردند، آگاه شویم. افرادی که شهرهای «آن شب‌ها» را یکی از مهم‌ترین عواملی دانسته‌اند که آنان را - علی‌رغم هزینه‌های بالای مالی - به این سفرها کشانده است.^{۱۹}

درواقع، ترجمه هزارویک شب برای اولین بار به فرانسه، نقطه تحول بارزی در تاریخ ارتباطات شرق و غرب به حساب می‌آید. تحقیقات جدید نشان می‌دهد این ترجمه، واقعه‌ای غیرمرتبط با قبل و بعدش نبوده است، بلکه نقطه نهایی حرکتی بزرگ است که به توصیف شرق در قالب تصاویری خیالی و برگرفته از داستان‌های موریسیکی و سفرهای اولیه به شرق و در توصیفات زندگانی شرقی که بعدها در نوشته‌های تافرنی،^{۲۰} شاردن،^{۲۱} پرنی^{۲۲} و... تبلور یافته، می‌پرداخته است. بی‌شک این تصاویر غریب و عجیب بوده و با واقعیت شکل نیافته است: «سحر و جادو، موجودات عجیب، پرستش و...».

حق آن است که اروپاییان تا قرن پانزده میلادی، جنبه‌های مختلف شرق اسلامی را نمی‌شناختند؛ زیرا شناخت آنها نسبت به شرق، مبتنی بر منابع دست دوم شامل: سفرنامه‌ها، نوشته‌های مبشرین، گزارش‌های تاجران و مسافران بوده است...؛

اما در آغاز قرن هفده، غرب به دلایل سیاسی و اقتصادی به تدریج به شرق اسلامی نزدیک‌تر شد. به نظری می‌رسد اروپاییان در این دوران، خطر سیاسی و نظامی ترکان و تهدید آنها را درک کردند؛ لذا به سرعت به ایجاد ارتباط با آنها پرداختند. فرانسه عملاً به اعزام دیپلمات‌ها و نمایندگان خود به شرق اسلامی اهتمام ورزید و همزمان، سفیران و نمایندگان حکومت عثمانی، مورد استقبال فرانسه قرار گرفتند و سفارتخانه‌های بزرگی که گاهی به کوی تبدیل می‌شد، برای آنها ساخته شد.

علی‌رغم تمامی این ارتباطات شدید سیاسی، تعداد مسافران اروپایی در شرق اسلامی در خلال نیمه اول قرن هفده، ناچیز باقی ماند. غایات و اهداف این مسافران، از: فعالیت‌های تبشیری، باستان‌شناسی، گشت و گذار، ماجراجویی، و حرکت‌های تجاری و نظامی فراتر نرفت. گزارش‌های جهانگردان، هنرمندان و مبشران، و توضیحاتی که در بازگشت به کشورهای خود انتقال می‌دادند، ناقص بود و توان بیان صادقانه آنها ناچیز بود و گاهی نوعی جانبداری و تعصب در آنها دیده می‌شد. بنابراین تمامی این مسائل، چهره شرق اسلامی در اذهان اروپاییان، مبهم، ناقص و تنیده در دو عنصر سحر و جادو باقی ماند.

اروپاییان باید تا نیمه قرن هفدهم منتظر می‌مانند تا سرفصل نوینی از تاریخ ارتباطاتشان با شرق گشوده شود. در این دوره، شرکت‌های شرقی توسط وزیر مشهور فرانسوی کلبیر (۱۶۱۹-۱۶۸۳) تأسیس شد و گروه‌های تبلیغی کاتولیک فعال شدند و تبادل‌ات سیاسی و اقتصادی میان اروپا و ترکیه در سطح بالایی به انجام رسید. در زمینه هنری،

۲۰. تافرنی، جهانگرد مشهور فرانسوی که در میانه سال‌های ۱۶۳۰ و ۱۶۳۹ در سفرهای ششگانه خود توانست اکثر کشورهای آسیایی را سیاحت کند و در بازگشت، اطلاعات زیادی به چنگ آورد و در کتابش «سفرها» آنها را با زبانتاب دهد.

۲۱. شاردن، جهانگرد فرانسوی صاحب کتاب «مسافرت به هند و فارس».

۲۲. پرنی، پزشک و جهانگرد فرانسوی که دوازده سال همراه اورنگ زیب، آخرین پادشاه مغول کبیر هند مشغول پزشکی بود.

۱۶. فردریش فون دیپلین؛ الحکایه الخرافیه؛ ترجمه نبیله ابراهیم؛ بیروت: دارالقلم، ص ۲۵.

۱۷. کاترینا موسن، ص ۱۴.

۱۸. همان، ص ۱۴.

19. Cf. T. M. CARRE, VOYAGEURS ET ECRIVAINS, FRANCAIS EN EGYPTE, LE CAIRE, 1956, PP. 39-76.

عبارات کلیشه‌ای زیبا و مشهور: سیمرخ، کوه‌های آهن‌ربا، شهر مسگر، قصرهای طلایی، فرش باد و نگیب سلیمان، در ادبیات غربی رایج شد.

«آن شبها» جایگاه مهمی در ادبیات غرب به دست آورد؛ زیرا این مجموعه در بردارنده تصاویر پرزرق و برق و حال و هوای دلربای شرقی و موضوعات فراگیر انسانی است و در نگارش داستان‌ها و حکایات غربی و ادبیات نمایشی و موسیقی و سینمای غرب تأثیرگذار بود. علاوه بر این، ادبیات کودکان نیز به فیض «آن شبها»، به مقوله جدید سادگی و یویایی مجهز شد (در این فرصت مجال آن نیست که به برشماری داستان‌های کودکانه‌ای که بافت اصلی خود را به طور مستقیم از «آن شبها» اخذ کرده‌اند اشاره نماییم).

خلاصه آنکه: «آن شبها» در اروپا به منبعی سرشار تبدیل شد؛ به گونه‌ای که اروپا نمی‌توانست از آن بی‌نیاز شود. منبعی که خود در فکر و اندیشه و رموز و ساختار روایی بی‌نیاز از غیر بود. و یکتور شوان^{۲۶} فهرست بلندی از ادبای غربی که از هزارویک شب تأثیر روشنی گرفته‌اند، به دست داده است: ویلاند، برگر، ولتر، کلینگر، هوفمان، اریوست، مونتسکیو، گوینیو، کریبیون، روکرت، ایمرمان، هاوف، تیسون، هاربت، ک. بنجرستو، دیکنز، ادیسون، اولنشلیگر و... با وجود این وی اذعان داشته که فهرست مزبور صرفاً گزیده‌ای از ادبای متأثر از «لیالی» بوده است... .

۴. تأثیر هزارویک شب شفاهی

آیا غرب حکایات شهرزاد را قبل از ترجمه به زبانهای اروپایی می‌شناخته است؟ آیا این حکایات قبل از قرن هیجده تأثیری در ادبیات اروپایی گذاشته بود؟ پژوهشگران امکان روایی اروپاییان با حکایات «آن شبها» را به مدت چند سده قبل از ظهور ترجمه گالان بعید نمی‌دانند. از دیدگاه اینان، بسیاری از حکایات شرقی و عربی به شیوه شفاهی در بسیاری از نقاط اروپا انتشار یافته بود. این اتفاق در زمانی رخ داد که اروپاییان صرفاً با هدف حج به سرزمین‌های مقدس پا می‌نهادند.^{۲۷}

در حقیقت، انتقال مجموعه‌ای از حکایات «آن شبها» به اروپا به شیوه روایی، امری طبیعی است؛^{۲۸} چه هزارویک شب از هر چیزی، جزء ادبیات فولکور بوده و آزادی و انعطاف‌پذیری بیان آن، از حد و مرزبومی و اختلافات سیاسی و نظامی فراتر می‌رود. به زعم محققان،

موضوعات شگفت‌انگیز به نقاشی و ادبیات راه یافت. در سال ۱۶۷۰ م، مولیر نمایشنامه شرقی خود با عنوان «بورژوازی پاک» را که وقایع آن در عثمانی (ترکیه امروزی) می‌گذشت، به نگارش درآورد. همچنین در سال ۱۶۷۲ «راسین» نمایشنامه «بایزیت» را با تلاشی بسیار در به تصور کشیدن جزئیات شرقی نگاشت.

در این دوره، بر تعداد سیاحان اروپایی و مسافرت‌شان به شرق اسلامی به طور نسبی افزوده شد. خود کلبر، وزیر، دوستان و افراد دیگر را به مسافرت به سرزمین‌های عربی و اسلامی تشویق می‌کرد. آنتوان گالان خود به عنوان نماینده اعزامی از طرف کلبر، مأموریت یافت عتیقه‌جات و نسخه‌های نادر را از ترکیه، سوریه و دیگر کشورهای شرقی برای اوج‌آوری کند.

ترجمه «هزارویک شب» به فرانسه، در زمانی بسیار مناسب به انجام رسید تا بسیاری از حقایق را تغییر دهد. همزمان با آمدن «هزارویک شب» در قرن هیجده در اروپا، اهتمام ویژه‌ای برای ایجاد ارتباط با شرق ورزیده شد؛ به گونه‌ای که با هیچ دوره‌ای قابل مقایسه نبود. برای اولین بار در اروپا، چهره انسان مسلمان، از بت پرست بی‌اخلاق، به فردی منطقی، ارزشی، شجاع و مقاوم در برابر دشمنان تبدیل شد و برای اولین بار اروپاییان به اسلام به عنوان دینی عقلانی و به دور از عقاید مسیحی نگرستاند و آن را دینی تلقی می‌کردند که به حیات اخلاقی و نیازهای جسمی همزمان فراخوان کرده است.^{۲۹}

بنابراین می‌توان گفت ظهور ترجمه گالان، نگاه انسان اروپایی را نسبت به شرق تحول داد و چهره‌ای واضح و بسیار تأثیرگذار از شرق ترسیم کرد.

ترجمه‌های هزارویک شب به زبان‌های اروپایی نقش مهم و خطیری در تاریخ ارتباطات غرب و شرق و در تاریخ ادبیات جهانی ایفا نمود. گزاف نگفته‌ایم اگر با پژوهشگری به نام سهیر قلم‌ماوی هم قول شویم که گفت: هزارویک شب، مهم‌ترین محرک و مشوق برای توجه غرب به شرق بود؛ توجهی که فراتر از جنبه‌های استعماری، تجاری و سیاسی بود... توسعه حرکت شرق‌شناسی به تأثیرگذاری این اثر در جهان غربی‌ها بر می‌گردد...^{۳۰}

ج) تأثیر هزارویک شب در ادبیات اروپایی

از دستاوردهای ترجمه «آن شبها»، تأثیر آشکار آن در کارهای بزرگ ادبی غرب بود. بسیاری از نویسندگان اروپایی به این اثر هنری و به تعبیرات منحصربه‌فرد آن و تصاویر روایت شده آن توجه نشان دادند و در ادبیات خود مقوله‌های جادو، سحر و فخر شرقی را وارد کردند...^{۳۱} همچنین

26. Sec. V. CHAUVIN · BIBLIOGRAPHIE · DES OUVRAGES ARABES LIEGE · 1990 · TOME .

۲۷. رک به: صفاء خلوصی؛ دراسات فی الادب المقارن والمذاهب الادیبه؛ بغداد: مطبعة الرابطة، ۱۹۵۷، ص ۲۷، ۳۱.

۲۸. بخشی از این انتقال و تأثیر، پس از ظهور مجموعه‌ای از تحقیقات دانشگاهی روشن شد؛ مثل: تحقیق استاد جاستون پاری که در آن داستانهای شرقی و انتقال آنها به ادبیات قرون وسطای اروپایی را کاویده است و نیز تحقیق استاد کاسکان که در آن کوشیده است منابع شرقی بوکاجیورا تعیین نماید؛ همچنین تحقیقات هامیلتون گیپ و ترند و مک دونالد که در آن تأثیر داستان شرقی در ادبیات غربی را به مذاقه گذاشته‌اند.

۲۹. ماکسیم رودنسون؛ الصورة الغربية والدراسات الغربية الاسلامیه فی «تراث الاسلام»؛ تصنیف شاخت و بوزنت، ترجمه حسین مونس؛ کویت: عالم المعرفة، ۱۹۷۸، ص ۶۴.

۳۰. سهیر قلم‌ماوی؛ الف لیله و لیله؛ القاهرة: دارالمعارف، ص ۶۴.

۳۱. همان، ص ۶۸.

که ترانه‌ای است کارآمد که در پایان قرن دوازده میلادی سروده شده است.^{۳۵} همچنین داستان‌های «دوک ارنست»، «ایسلوده و اسپهاد» و «موریس فون کراون» که به صورت شعر و به زبان آلمانی میانه نوشته شده است.^{۳۶}

در ادبیات انگلیسی، داستان چسربه نام «شهباز جوان» متأثر و بلکه برگرفته از دل هزارویک شب است... و میدان برای انجام مقایسه‌هایی میان نمایشنامه‌های شکسپیر و حکایات شهرزاد، همچنان باز است. نمایشنامه «تندباد» نمونه‌ی مشابهی به نام داستان «جزیره گنج‌ها» دارد. نیز تشابهاتی بین نمایشنامه «تاجر ونیزی» و داستان «مسرور تاجر وزین» وجود دارد.

خلاصه آنکه: پیوند هزارویک شب و داستان اروپایی در قرون وسطا و رنسانس، پیوندی درهم تنیده و محکم است. شک نیست که بررسی دقیق داستان‌های اروپایی متأثر از «آن شبها» به منظور تعیین موقعیت تاریخی آنها در شروع داستان سرایی اروپایی، این پیام را دربر خواهد داشت که اگر پیوند و تعامل میان آن فرهنگ غربی - اسلامی وجود نداشت و اگر اساطیر و حکایاتی که در قرون وسطا به شکل شفاهی به جوامع اروپایی منتقل شد، در خلق آثار ادبی آنها استفاده نمی‌گشت، داستان سرایی غربی هیچ‌گاه اینگونه قوام و تطور نمی‌یافت.

هرگاه پیوندی میان دو ادبیات شرقی و غربی به وجود آمده است، تأثیر ادبیات شرقی در گرایش‌های ادبیات فلکوریک اروپایی به گونه‌ای بوده است که سلطان ادبیات لاتین و یونان را به آوردگاه فرا خوانده و پیروز مطلق میدان بوده است...^{۲۹}

بعید نیست که در اندلس، سیسیل و مناطق جنوب ایتالیا که محل پیوند عرب‌ها و مسیحیان بوده‌اند، حکایات «آن شبها» را می‌شناخته‌اند. بدیهی است میراث اسلامی - عربی از طریق این گذرگاه به اروپا منتقل شد و نقش این میراث در حرکت رنسانس اروپایی در آنجا ایفا گشت. گویا «مسافرت‌های سندباد دریایی» در ادامه با عنوان «مشلیه سندباد» در زبان عبری به لاتین ترجمه شد. این ترجمه همچنان در بسیاری از نسخه‌های خطی محفوظ مانده است...^{۳۰}

احتمالاً صلیبی‌ها پاره‌ای از حکایات هزارویک شب را شنیده بودند و آنها را به زادگاه خود انتقال دادند و از آن بهره‌مند شدند.^{۳۱} همچنین شاید اروپاییان در پی تبادلات تجاری در سواحل شمالی دریای مدیترانه در اروپا و سواحل جنوبی آن در بلاد اسلامی و عربی، این حکایات را شنیده بودند؛ چه ناوگان ونیز، لوکا، جنوا و پیزا پیوسته در سواحل سوریه، اسکندریه، تونس و آسیای صغیر در رفت و آمد بودند.

در حقیقت مقوله تأثیرات شفاهی هزارویک در ادبیات اروپا، مستلزم پژوهش‌های مستقل است؛ زیرا انواع ادبی و زبان‌های مختلف متأثر از آن، متعدد و مختلف است. در ادامه به پاره‌ای از آثار ادبی متأثر از هزارویک شب اکتفا می‌کنیم و باب وسیع آن را برای پژوهش، بررسی، بازشناسی و مقایسه بیشتر بازمی‌گذاریم.

در اسپانیا هزارویک شب، در تعدادی از کارهای ادبی تأثیرگذار بود؛ از جمله داستان سیف‌ار قهرمان که بین سال‌های ۱۲۹۹ و ۱۳۲۵ م ظهور کرد. همچنین داستان «زندگی، رؤیایی بیش نیست»،^{۳۲} اثر ادیب مشهور کالدرون دولیارکا و داستان «تئودور جوان»^{۳۳} نوشته لوبی دوویکا.

در ادبیات ایتالیا، تعدادی از داستان‌ها به وضوح متأثر از هزارویک شب بوده‌اند؛ مانند داستان «استالفو» نوشته جیوانی سرکامبی و داستان «ژیکوندو» اثر آلانو فرانسوا و مجموعه «دکامرون» نگاشته بوکاچیو (۱۳۱۵ - ۱۳۷۵).^{۳۴}

از داستان‌های آلمانی برگرفته از «آن شبها»، داستان «هرفیرز متز» است

۲۹. جب: تراث الاسلام؛ ترجمه عبداللطیف حمزه؛ القاهرة: لجنه التألیف والترجمه، ۱۹۳۶، ص ۱۵۶.

۳۰. عبدالرحمن بدوی؛ دور العرب فی تکوین الفکر الاذوی؛ بیروت: دارالقلم، ۱۹۷۹، ص ۶۷.

۳۱. زکی النفاش؛ العلاقات الاجتماعیه والثقافیه والاقتصادیه بین العرب والافرنج خلال الحروب الصلیبیه؛ ص ۱۹۴.

۳۲. پاره‌ای محققان برآنند که این داستان بسیار متأثر از داستان «خواب بیدار» است.

۳۳. کالدرون، این داستان را به شیوه حکایت «کنیز عاشق می‌شود» نگاشته است.

۳۴. بوکاچیو مجموعه خود را در سال ۱۳۴۹ م نوشت و در آن یکصد داستان را به شیوه داستان‌های «آن شبها» حکایت کرد. این داستان‌ها مربوط به هفت زن و سه مرد است که برای فرار از طاعون، به اطراف شهر پناه می‌برند.

۳۵. استاد جردن تشابهات قصه هر فیز و نورالدین در هزارویک شب را تعیین کرده است.
۳۶. در این داستان، اندیشه عاشقی که خواب بر او چیره گشته و در انتظار معشوق است، تکرار می‌شود.